

خاستگاه هنر انتزاعی

میر شاپیرو

مترجم: دکتر جمال عربزاده

(عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

سرشناسه	: شاپیرو، میر، ۱۹۰۴ - م. / Schapiro, Meyer
عنوان و پدیدآور	: خاستگاه هنر انتزاعی / میر شاپیرو؛ ترجمه‌ی جمال عرب‌زاده؛ ویراستار لیلا غفاری.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۰ ص: مصور؛ ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.
فروست	: مجموعه‌ی القبای هنر.
شابک	: ۹۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۱۳-۱۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: 2013 , La Nature de l'art abstrait
یادداشت	: واژه‌نامه
موضوع	: هنر انتزاعی
موضوع	: Art, Abstract
شناسه افزوده	: عرب‌زاده، جمال، ۱۳۵۲-، مترجم
شناسه افزوده	: دانشگاه هنر
رده بندی کنگره	: ۶۴۹۴ / ۲ش ۱۳۹۶ N
رده بندی دیوبی	: ۷۰۹ / ۰۴۰۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۰۱۶۴۸



کلیه حقوق این اثر برای دانشگاه هنر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان سرهنگ سخایی، بین تقاطع سی‌تیر و فردوسی، شماره ۵۸

دانشگاه هنر، تلفن: ۶۶۷۲۵۶۸۲

artpub@art.ac.ir

خاستگاه هنر انتزاعی، میر شاپیرو

مترجم: جمال عرب‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

ویراستار: لیلا غفاری

چاپ و صحافی: دانشگاه هنر

ناشر: اداره انتشارات دانشگاه هنر

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

در تبادلات علمی دانشگاهی، انتشارات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، انتشارات دانشگاهی از یک سو، راه را برای انتقال و در دسترس عموم قرار گرفتن دانش تولید شده توسط خبرگان جامعه هموار ساخته و از سوی دیگر، تبادل و ارزیابی کیفیت پژوهش‌های آکادمیک را برای جامعه‌ی همتران میسر می‌سازد. محققان از طریق انتشار نتایج پژوهش‌هایشان قادر به غنی کردن دانش آکادمیک شده و ارائه‌ی فعالیت‌های هنری نیز شرایط نقد کیفیت این فعالیت‌ها را فراهم می‌آورد. توسعه‌ی منابع مکتوب برای گسترش دانش نظری مرتبط با رشته‌های دانشگاهی هنر، نه تنها به گسترش مرزهای دانش می‌انجامد، بلکه ضمن کمک به ارتقاء کیفیت آموزش، به سهولت و سرعت دستیابی به دستاوردهای علمی، هنری و فرهنگی نیز یاری می‌رساند.

بر اساس برنامه‌ی راهبردی دانشگاه هنر، از ماموریت‌های اصلی این دانشگاه یافتن «مرجعیت علمی هنری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» و «تعامل فعال و الهام بخش برای توسعه‌ی علم و فناوری و هنر در سطح بین‌المللی» است. این هدف محقق نخواهد شد مگر در سایه‌ی گسترش پژوهش‌های دانشگاهی، آگاهی و امکان دسترسی به دانش دیگر ملل و فرهنگ‌ها. انتشارات دانشگاه هنر با باور به قدرت نوشتار، در پی آن است تا با غنا بخشیدن و ایجاد امکان دسترسی به منابع مکتوب ارزشمند در حوزه‌ی هنر، در جهت تقویت کیفیت آموزش و پژوهش در

رشته‌های مختلف هنری گام بردارد تا پشتیبانی باشد برای توانمند سازی و تسهیل پژوهش‌های هنری.

انتشارات دانشگاه هنر با پایبندی به مأموریت خود بر آن است تا با همکاری هنرمندان، هنرشناسان و جامعه‌ی دانشگاهی هنر رسالت خویش را در خصوص شناساندن روح هنر تداوم بخشد و آخرین دستاوردهای پژوهشی و یافته‌های هنری- علمی را در اختیار استادان، دانشجویان و دیگر دوست‌داران هنر قرار دهد.

سودابه صالحی

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه هنر

«خاستگاه هنر انتزاعی» یکی از متون الهام‌بخش میر شاپیرو (۱۹۰۶-۱۹۹۶)، مورخ هنری آمریکایی و نظریه‌پرداز حامی هنر مدرن می‌باشد. شاپیرو در این متن، تحلیل متفاوتی از ریشه‌ها و دلایل بروز هنر انتزاعی ارائه می‌دهد. از منظر او، تولد هنر انتزاعی در ادامه‌ی روال طبیعی هنر نبوده، و حاصل تغییرات عمیق در شرایط مادی و روانی فرهنگ مدرن می‌باشد. نگاه شاپیرو، در مقابل دیدگاهی متداول در تبیین تحولات تاریخی هنر قرار می‌گیرد که تمایل به نوآوری و عکس‌العمل به هنر پیشین را بنیان تحول فرم‌های جدید هنری می‌داند. این رویکرد تاریخی به‌طور خاص، هنر انتزاعی را حاصل افول تمایلات پیکره‌نما در نقاشی دانسته و از تقابل انتزاع-پیکره‌نمایی برای توضیح تمایلات تصویری جدید هنر مدرن استفاده می‌کند. از این دست نمونه‌های تحلیلی، کتاب آلفرد بار، مدیر پیشین موزه‌ی هنر مدرن نیویورک می‌باشد که یک سال قبل از متن حاضر طبع شده و در اینجا نیز به آن اشاره شده است.

هنر انتزاعی برای شاپیرو، طغیانی بر جریان‌های پیشین نمی‌باشد، بلکه پاسخی به تغییرات فن‌آوری است که رابطه‌ی انسان را با بازنمایی، دستخوش تغییر می‌سازد. او با تکیه بر سنت سوسیالیستی تاریخ‌نگاری اجتماعی، بر زمینه‌ای غیرتاریخی و همه‌گیر، پرسشی در جهت فهم این هنر مطرح نموده و از طریق آن، معنایی متفاوت از منشاء و مسیر تحول‌اش ارائه می‌دهد. مثال‌های تاریخی او، جریان‌های مختلفی

از امپرسیونیسم تا آوانگارد را دربرمی گیرد؛ همچنین برای نشان دادن تحولات زندگی مدرن نزد هنرمند، نیت و ضروریات درونی او را نیز به بحث می گذارد. نمونه‌ی بارز در این زمینه، واسیلی کاندینسکی است؛ علی‌رغم این امر که هنر او که جنگی آشکار بر علیه مادی‌گرایی مدرن می‌باشد، احساس «ضرورتی درونی» هنرمند را به جستجوی فرم بیانی تازه‌ای سوق می‌دهد.

هنر مدرن ایران نیز در بدو تولد، به تأسی از تجربیات غربی و به‌صورتی واضح، کیفیات فرمالیستی و روش‌های مشابهی را برای قرائت و ارزش‌گذاری آثار اختیار کرد. این جریان در گستره‌ی وسیعی از فعالیت‌های هنری، با تقلیل نوآوری به نزاع جعلی انتزاع و واقع‌نمایی، امکان طرح پرسش‌های جدی و عمیق‌تر پیرامون ذات چنین هنری را از میان برد. وسعت این نگاه در آموزش نقاشی در کشورمان، به‌گونه‌ای بوده است که بخش اصلی مسائل هنری مربوط به این گرایش، بیش از آنکه وارث دیدگاهی زیبایی‌شناختی و به بستر اجتماعی-سیاسی حساس باشد، وام‌دار تحلیل‌های ادراکی مکتب باهاوس (و به‌طور ویژه ایتن) می‌باشد. می‌توان حدس زد که با وجود کیفیات فرمی آشکار در این گرایش هنری در ایران، میراث فکری مربوط به خاستگاه آن، امکان مقاومت این نگاه مدرن در برابر گرایش‌های هنری مؤخرتر را سلب نموده و در برخی ابعاد موجب تسلیم بی‌چون‌وچرای آن شده است. وجوه مشابه بین موارد ذکر شده و فضای هنری امروز کشور، ترجمه‌ی دیر هنگام متن پیش رو را برای خواننده‌ی پارسی‌زبان توجیه‌پذیر می‌کند.

در انتها، باید از همه‌ی دوستانی که در طبع این متن یاری نمودند تشکر نمایم؛ همکار فرزانه‌ام دکتر کامبیز موسوی‌اقدم و برادر گرامی‌شان کیوان موسوی‌اقدم که عهده‌دار تطبیق با متن انگلیسی شده و با پیشنهادات خود به غنای متن افزودند؛ ویراستار محترم سرکار خانم لیلا غفاری که با دقت نظر و امانت‌داری متن را ویرایش نمودند؛ همچنین معاون پژوهشی سرکار خانم سودابه دکتر صالحی، همکاران

گرامی در معاونت پژوهشی و به‌ویژه دکتر محمد رضا مریدی که نشر این متن را تسهیل نمودند. لازم به اشاره است که متن اصلی حاوی تصویر نبوده، اما جهت فهم بهتر مطالب، برخی تصاویر اشاره شده در متن به آن اضافه شده است.

جمال عرب‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر

خاستگاه هنر انتزاعی

میر شاپیرو^۱

ترجمه از متن انگلیسی: ژرژ مینه^۲

انتشارات آلیا^۳، ۲۰۱۳

این متن برای اولین بار در *فصلنامه‌ی مارکسیست*^۴ شماره‌ی ژانویه - مارس ۱۹۳۷ و مجدداً در سال ۱۹۷۸ در کتاب دیگری از میر شاپیرو با عنوان: *هنر مدرن قرن ۱۹ و ۲۰*^۵، منتخب نوشته‌ها، به چاپ رسید. اولین ترجمه‌ی فرانسوی این کتاب توسط ژان متیو لوچیونی^۶ در *نشریات موزه‌ی ملی هنرهای مدرن*^۷ و سپس در کتاب *هنر آبستره*^۸ از مجموعه‌ی هنرها و استتیک نشر مربع پاریس چاپ گردید.

1. Meyer Schapiro, (1904-1996)

مورخ هنر آمریکایی، مشهور برای جانب‌داری‌اش از هنر مدرن و رهیافت مارکسیستی‌اش به تاریخ هنر.

2. Georges Minet

3. Editions Allia

4. *Marxist Quarterly*

5. Meyer Schapiro, *Modern Art 19th and 20th Centuries. Selected Papers*, New York, George Braziller, 1978.

6. Jean-Mathieu Luccioni

7. *Les Cahiers du Musée national d'art moderne*, no 4, 1980.

8. *L'Art abstrait*, collection Arts & esthétique, Paris, éditions Carré, 1996.

این ایده که ارزش تابلوی نقاشی می‌تواند تنها وابسته به رنگ‌ها و فرم‌هایش باشد، بسیار پیش‌تر از آنکه هرگونه هنر انتزاعی ظهور کند مطرح شده بود. هنر موسیقی و معماری همواره برای نقاشان به‌عنوان نمونه‌هایی از هنر ناب محسوب می‌شدند که ویژگی آنها نه وابسته به تقلید از اشیاء بلکه منوط به عناصر درونی خودشان بودند. با این حال ایده‌ی فوق به‌راحتی مورد توافق همگان قرار نمی‌گرفت زیرا تا آن زمان تابلویی با رنگ و فرم‌های غیربازنمایانه رویت نشده بود. روش تازه در نقاشی، برخلاف روش پیشین نقاشی از اشیاء پیرامون که تنها بر پایه‌ی کیفیت‌های فرمی ارزش‌گذاری می‌شد، به‌طوری عادی آثار را از ریخت انداخته یا تقلیل می‌داد، به‌نحوی که تنها مهارت دست‌کاری فرم‌ها امکان ارزش‌گذاری را فراهم نمی‌کرد. به‌دلیل اینکه چیزهایی که فرم‌ها به آنها تعلق داشتند؛ افراد، مکان‌های معین و شخصیت‌های واقعی یا اسطوره‌ای، همه به‌وضوح حامل نشانه‌ای از عصری خاص بودند، این فرض که هنر به‌واسطه‌ی نیروی آفرینش‌گر خود یا شخصیت هنرمند می‌توانست بر تاریخ تسلط یابد مجال بروز پیدا نمی‌کرد. اما برخلاف آن در هنر انتزاعی، استقلال مورد ادعای زیبایی‌شناختی و ویژگی مطلق آن به‌صورت ملموسی آشکار شد. سرانجام با هنری تصویری مواجه بودیم که تحت سیطره‌ی عناصر زیبایی‌شناختی قرار داشت.

پس هنر انتزاعی حاوی ارزش اثبات عملی بود. به نظر می‌رسید که روش نوین این نقاشی‌ها، به‌صورتی بی‌واسطه فرآیند آفرینش و ابداع را به‌روی بوم منتقل می‌کرد؛ فرم ناب آزادی خود را باز یافته و بدون پنهان شدن توسط محتوای بیرونی یا واسطه‌ای دیگر، قابل دسترسی می‌شد. نقاشانی هم که به هنری جز هنر انتزاعی مشغول بودند از ظهور آن استقبال کردند، زیرا که اعتقاد آنها را به مطلق بودن زیبایی‌شناسی تایید و فعالیت تجسمی نابی را برای‌شان به ارمغان آورده بود. همچنین موضع‌گیری‌شان به هنر گذشته را کاملاً تغییر داده بود. سبک جدید موجب عادت تازه‌ی نقاشان در دیدن رنگ‌ها و فرم‌ها، فارغ از هرگونه رابطه با اشیاء شده بود. امری که موجب پیوند و نزدیکی گسترده‌ای میان آثار هنری فارغ از زمان و مکان خلق‌شان گردید، همین‌طور به مدد آن امکان ارزیابی نامتعارف‌ترین فرم‌های هنری حاصل شد: اشیائی که تا امروز برای ما قابل فهم نبودند، مانند نقاشی کودکان، مردمان بیگانه و به‌خصوص هنرهای بدوی^۱ که تا پیش از آن حتی مشتاق‌ترین منتقدین هم تنها آنها را به‌عنوان کنجکاوی‌هایی ساده‌لوحانه در نظر می‌گرفتند. پیش‌تر راسکین^۲ در کتاب *اقتصاد سیاسی هنر*^۳ با جانب‌داری از حفظ آثار قرون وسطی و رنسانس، اشاره کرد که «تنها در اروپا می‌توان هنر باستانی ناب و ارزشمند یافت، نه هیچ جای دیگر مانند آمریکا، آسیا یا آفریقا». چیزی که دیروز هیولاًگونه در نظر گرفته می‌شد بعد از این به فرم ناب، بیانی ناب و دلیلی زیبایی‌شناختی برای این حقیقت که در هنر، محسوسات و مدرکات بر بازنمایی دنیا پیشی دارند، بدل می‌شود. حال، هنر کل زمین روی یک بستر واحدِ غیرتاریخی^۴ و جهانی قابل دسترس بوده و گستره‌ای از نیروی خلاقه‌ی انسان را عرضه می‌نماید.

برای تئوری عام هنر، این دو جنبه‌ی نقاشی انتزاعی، یعنی نفی فرم‌های

1. Arts primitifs

2. John Raskin, (1819-1900) شاعر، نقاش و منتقد هنری مشهور انگلیسی قرن نوزدهم.

3. *Économie politique de l'art*

4. Anhistorique